

یادداشت

جشنواره فیلم؛ پنبه‌های به رنیا، رویاهای نوجوانان

آلاتوحیدی

عضو ستاد اجرایی سی‌وششمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودک و نوجوان



هر سال، وقتی نور پرده سینما روشن می‌شود و داستان‌ها یکی پس از دیگری برای مان به نمایش درمی‌آید، جادویی اتفاق می‌افتد. جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، چیزی فراتر از یک رویداد سینمایی بوده؛ این جشنواره پلی است به دنیایی از خیال، تجربه و رشد.

برای نوجوانان، این لحظه‌ها نه فقط تفریح، بلکه سفری به درون احساسات و تفکرات‌شان است. وقتی روی صندلی سینما می‌نشینند و غرق تماشای فیلم می‌شوند، ناگهان خودشان را درون قصه می‌بینند. شاید شخصیت فیلم شبیه‌شان باشد؛ با همان دغدغه‌ها، ترس‌ها و آرزوها. شاید هم داستانی باشد که هیچ وقت فکرش را نمی‌کردند، اما حس می‌کنند بخشی از آن هستند. این همان قدرت سینماست؛ این‌که به نوجوانان یاد بدهد از دریچه دیگری به دنیا نگاه کنند، خودشان را بهتر بشناسند و بفهمند که تنها نیستند.

در جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان، فیلم‌ها از سراسر جهان جمع می‌شوند تا با زبان مشترک احساسات، با آنها حرف بزنند. این فیلم‌ها بچه‌ها را به دنیای نوجوانانی از فرهنگ‌ها و کشورهای مختلف می‌برند. شاید زبان‌شان فرق کند، اما دغدغه‌های‌شان مشترک است.

از طریق این فیلم‌ها، یاد می‌گیرند هر گوشه از جهان، داستانی برای گفتن دارد و آنها هم بخشی از این داستان بزرگ هستند. این تجربه به نوجوانان کمک می‌کند دنیای‌شان را وسیع‌تر ببینند و به تفاوت‌ها احترام بگذارند.

اما جشنواره فقط برای تماشای فیلم نیست. کارگاه‌ها، نشست‌های خبری و برنامه‌های نقد فیلم فرصتی است برای این‌که با دیگران گفت‌وگو کنند، نظر بدهند و از فیلم‌ها الهام بگیرند. شاید یکی از فیلم‌ها تشویق‌شان کند که داستان خودشان را بنویسند یا حتی فیلم خودشان را بسازند. شاید از دیدن خلاقیت کارگردان‌ها الهام بگیرند که به! می‌توانند متفاوت فکر کرده و دنیایی جدید خلق کنند.

این جشنواره به نوجوانان یاد می‌دهد هر کسی می‌تواند قصه‌گوی زندگی خودش باشد. از سوی دیگر، جشنواره فضایی امن و پر از شادی است. جایی که نوجوانان می‌توانند بدون نگرانی کنار دوستان‌شان از فیلم‌ها لذت ببرند، بخندند، هیجان زده شوند و حتی از داستان‌ها درس بگیرند.

در این روزهای پر از مشغله و استرس، سینما به نوجوانان فرصت می‌دهد به دنیایی از خیال و رویا پناه ببرند و دوباره با انگیزه و انرژی بیشتری به زندگی بازگردند. جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، جادوست؛ جادویی که هر سال به بچه‌ها کمک می‌کند که خودشان را بهتر بفهمند، از دنیا الهام بگیرند و با چشمانی بازتر به آینده نگاه کنند. این جشنواره یادآور می‌شود که هر کدام‌شان، داستانی برای گفتن دارند و سینما، همان جایی است که این داستان‌ها زنده می‌شوند.

«ما در آمریکا کیسه‌های اجساد یا تابوت‌هایی که از عراق و افغانستان برمی‌گردند را از تصاویر درمی‌آوریم، چون سوءتبلیغی برای کارزار جنگ محسوب می‌شوند. در نتیجه، در جنگی که همچون انیمیشن‌های والت دیزنی نشان داده می‌شود، ذهن آمریکایی‌ها از مفهوم مرگ پاک و ضدعقونی شده است. به همین دلیل است که من معتقدم ما می‌توانیم جنگ‌هایی داشته باشیم که ۱۵ سال طول بکشند بدون آن‌که با آنها روبه‌رو شویم. این جایی است که سینما نقش و وظیفه‌ای برعهده دارد، اما نقشی کوچک. به هر حال، «جوخه» می‌تواند ۲۰ سال پس از وقایع جنگ نمایش داده شود. «متولد چهارم ژوئیه ۲» و «بهشت و زمین ۳» هم همین‌طور، یعنی سه فیلمی که برای ویتنام ساختیم. اما تا به امروز هنوز آمریکایی‌های معدودی خبر دارند که، براساس گفته‌های مک‌نامارا، سه میلیون و ۸۰۰ هزار ویتنامی در این جنگ کشته شدند. این عدد معادل بیش از نیمی از یهودیان کشته‌شده در جنگ جهانی دوم است که همه بچه مدرسه‌ای‌های آمریکایی آن را می‌دانند!» این تنها بخشی از مصاحبه کارگردان فیلم جوخه الیور استون درباره جنگ در ویتنام است. صنعت سینما از همان ابتدایک زبان بود برای گفتن حرف‌هایی که اگر بدون پوسته و به قول معروف یلخی می‌خواست گفته شود توی ذوق می‌زد؛ چه درباره جنگ و چه درباره مسائل اجتماعی و معضله‌های اقتصادی. همین است که مد شده در کشورمان انواع و اقسام فیلم‌ها با تم اجتماعی را می‌سازند تا حرفی درباره دغدغه‌شان زده باشند و مطالبه‌شان را با زبان هنر گفته باشند و تمییز می‌دهند به کل جامعه. بررسی‌ها نشان می‌دهد میزان اثرگذاری فیلم‌ها به قدری بالاست که می‌تواند مثل یک تیغ دولبه عمل کند و فکر و ذهن آدم را در ب و داغون کند و برای همین هم فیلم ساختن و هر فیلمی را دیدن، می‌شود یک مسأله مهم آن هم در بین قشر نوجوان.

روزهایی که کتاب حرف اول را در بین مردم می‌زد شاید آن قدرها که فیلم می‌تواند روح و روان آدم را درگیر کند وضعیت آن قدر خطرناک نبود. کتاب یک ویژگی مهم داشت؛ تو می‌توانستی خودت شخصیت‌ها را تصور کنی و زرق و برق ابرقهرمان‌ها هم آن قدر تحت تأثیر قرار نمی‌داد. اما پرده نقره‌ای کار عجیبی با آدم بالغ می‌کند چه برسد به نوجوانی که تشنه ابرقهرمان و الگو در زندگی‌اش است. ابرقهرمانی که چه شرقی و کره‌ای و چه غربی و نتفلیکسی‌اش هر دومی می‌تواند سبک زندگی او را تحت الشعاع قرار بدهند. اینجا یعنی سینما و دنیای تصویر جایی است که موثر و مولف اثر و چیزی که خلق می‌کند عمداً مهم‌تر است. در ژانویه ۲۰۱۹، مردی ادعا کرد که وقتی سعی داشته جلوی یک تعرض جنسی را در برنینگ‌سان بگیرد، نیروهای محافظ او را مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند. برنینگ‌سان کلوب شبانه‌ای در سئول است که بخشی از آن متعلق به سونگری، یکی از پول‌سازترین ستاره‌های کی‌پاپ، است. ادعاهایی از این دست رفته رفته بدل شدند به مجموعه‌ای از اتهامات به هم مرتبط درباره قاچاق جنسی، تجاوز به شرکای عاطفی، فیلمبرداری

یادداشت

ثنا سادات حسینی

منتقد نوجوان
جشنواره



«شمشیر و اندوه» انیمیشن موشن پیکچر با خط داستانی درستش قواعد معماری، تاریخی و دیالوگ‌نویسی را رعایت نکرده است. این اثر گرچه کار پرهزینه و پردردسری در حوزه ساخت محسوب می‌شود و از این منظر قابل تمجید است اما در عین حال موجب شده سازندگان آن، بیشتر درگیر فرم باشند تا محتوا.

این فیلم حوالی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ هجری قمری را روایت می‌کند اما



پرده نسبی

درباره جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان

گاهی وقت‌ها فیلم را نباید با پاپ‌کرن و پفک دید. باید چهارچشمی به آن زل زد و با نگاه یک نقاد موی نکات مهمش را از ماست محتوایش کشید بیرون و حسایی رویش زوم کرد. سی‌وششمین دوره جشنواره فیلم کودک و نوجوان هم امروز به پایان رسید و باروبندیش را جمع کرد که دورخیز کند برای

زهرآفرینانی	
دبیر	
نوجوانه	



مخفیانه و رشوه. مسأله‌ای که سوالی بزرگ به وجود آورد؛ در پشت پرده کی‌پاپ چه می‌گذرد؟ سونگری، که نام اصلی‌اش لی سونگ هیون است، تقریباً در بیشتر سال‌های فعالیتش به چهارچوب‌های کی‌پاپ وفادار ماند و حتی بعد از «رسوایی جنسی» هم محبوبیتش را از دست نداد. مجله‌ای ژاپنی افشا کرد که سونگری در مدت اقامتش در ژاپن روابط جنسی داشته است. او در فیلم‌ها و جنگ‌های تلویزیونی کره‌ای و ژاپنی ظاهر می‌شد و در سال ۲۰۱۸ اولین تور مستقلش را برای تبلیغ آلبومش، «سونگری بزرگ»، آغاز کرد. مردم یادشان رفت اصلاً دقیقاً چه اتفاقی افتاده بود. اینجا است که ما باید بدانیم در اثر چه می‌گوییم و مطابق با چه اصولی رفتار می‌کنیم و ظاهر می‌شویم. این هفته سی‌وششمین جشنواره فیلم کودک و نوجوان را پشت سر گذاشتیم که به نظر برای من تولیدات آن جای تامل زیادی داشت. اکثر این فیلم‌ها تولیداتی بود که در جشنواره فجر هم اکران شده بود. از «باغ کیانوش» تا «میرو» و «آن دو» که با مضمون دفاع مقدس در این دوره از جشنواره هم مورد استقبال نوجوانان قرار گرفتند. اما آنچه اهمیت داشت این بود که مخاطب نوجوان، خودش در تولیدات صاحب‌نظر بود و در نشست‌های پس از فیلم هم نظراتش را به

«شمشیر و اندوه»: جذاب در فرم، نه چندان موفق در محتوا

پرنرنگ آنها در آن عرصه را به نمایش بکشد که در متن خود فیلم گنجانده شده است. این اثر پویانمایی نه فقط کودکان که مخر هم می‌تواند درگیر خود کند. از نقاط قوت است که موجب می‌شود مخاطب حس داشته باشد. به گفته سازندگان، موسیقی از سیستم صدای دالبی سه بعدی تولید جهان هم رواج دارد. این موسیقی که برعهده داشته است، از سبک عبدالقادر الگو گرفته و تحسین برانگیز است.

معماری لوکیشن‌های طراحی شده به شهرهای عربی آفریقایی قرون جدید تعلق دارد، لباس‌ها یادآور دوران جنگ‌های صلیبی است؛ در همین حال، شخصیت اول با نام «کارن» با حرکات و ابزار آلتش، بازی پرنس آف پرشیا را تداعی می‌کند. کارن، قهرمان قصه که پسر بچه‌ای زخمی است بر دوش عمویش ماهان که سوارکار است، یک شبیه از مدائن به بخارامی رود، حال این‌که فاصله مستقیم این دوشهر حدود ۲۵۰۰ کیلومتر است که با شیوه‌های حمل و نقل آن زمان، برای طی آن چند ماه وقت نیاز بود. به گفته عماد رحمانی، یکی از دو کارگردان این پویانمایی، «شمشیر و اندوه» با این هدف ساخته شده است که ضمن بازروایت وقایع مهم تاریخ اسلام، نقش ایرانی‌ها و حضور